

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

قاسم باز
۲۸ جولای ۲۰۲۴



قاسم باز

جامع الکمالات، قاید اعظم ، داوود مومند ، باری دیگر درفشانی کرد!

در قدم اول.

دعا می کنم ، این که :

خداوند آن افراد را بشمارد، چنانچه شرمانده، که در پوهنتون کابل شهید محمد موسی شفیق را آب فروش خطاب می کردند. ولی امروز در وصف وی قلم فرسایی می کنند .

"در ترا میگویم دیوار تو بشنو..."

گویند: میوندوال به خاطری عقده به شاه و سلطنت گرفت که نوراحمد اعتمادی مانع کاندیداتوری وی در ولسی جرگه شد. ؟

عجب استدلال بی منطق و بازاری.

سؤال در اینجاست، اگر ما ادعای فوق را قبول کنیم ، ایا واقعاً نور احمد اعتمادی بدون استشاره شاه افغانستان این کار را کرده می توانست؟؟؟

ما می گوئیم: میوندوال پیش از کاندیداتوری به ولسی جرگه مورد قهر و غضب مقام سلطنت واقع گردیده بود. وقتی که میوندوال به نام خط مشی حکومت خود که در اصل مرام نامه حزبی وی بود به مقام سلطنت پیشکش و آن را از طریق امواج رادیو افغانستان به سمع مردم رساند. بعد از آن مورد قهر و غضب مقام سلطنت واقع شد . قاید اعظمه! دروغ وایه په شرعه بی روغ وایه .

بی عقل کیست؟ به کسی گفته می شود که خودش چیزی را نمی داند وقت دیگران در باره ابراز نظر کنند بعد این اوقی و کاکه ناق قلم برداشته نوشته های دیگران را به رخ خود شان نویسنده ها بکشد. چندی قبل این کاکه ناق و اوقی کوچه گرد نوشته بود، که داوودخان تمام کابینه خود را رفقای ضعیف النفس یاد کرد. اما وقتی که این جانب بنده خدا، شش

نفر را که داوودخان به زعم خود آنها را به نام ، رفقای ضعیف النفس در بیانیه روز ۲۶ سرطان یادآوری نموده بود تشریح نمودم عقلش در سر بی مغزش آمد. حالا فکر می کند که چی نان بی مزه را خورده. !
قبلاً گفتم این معیوب سیاسی در چانه خود چیزی ندارد، وی همیشه از نوشته های دیگران سوء استفاده می کند. وی در مضمون اخیرش می نویسد:

محمد موسی شفیق دو سال و چند ماه زندانی بود. داوودخان وی را بعد از مرگ میوندوال از زندان دهمزنگ به ارگ آورد و دو و نیم سال در خانه نوراحمد اعتمادی در قرغه زندانی ساخت . فاعتبرو یا اولی الابصار.
دروغ گفتن هم از خود حد و حدود دارد . نداشتن معلومات کافی صحیح و درست گناه نیست ، گناه اینست که نمی دانی تهمت ببندی، افتراء گوئی، در چشم مردم به کلاه قايد اعظمی درائی.

می گویند : که داوودخان شفیق را به خاطری از زندان دهمزنگ به ارگ آورد که قضیه دیگری مانند میوندوال تکرار یا رخ ندهد.

ما می گوئیم : جناب جمال الکمالات سرحدی دو پاسپورته .

وقتی که محمد هاشم میوندوال حبس شد در آنوقت محمد موسی شفیق در قصر صدارت تقریباً سه ماه قبل از زندانی شدن محمد هاشم میوندوال ، تحت نظارت بود . محمد موسی شفیق چند روز اول کودتا یا تحول ۲۶ سرطان در محبس دهمزنگ با جنرال عبدالولی ، جنرال کتوازی و رحمت الله صافی یکجا بندی بود ، بعد از پیروزی تحول ۲۶ سرطان در هفته اول کودتا نظر به هدایت و امر شهید سردار محمد داوودخان ، عبدالولی را به کوتی باغچه ارگ و محمد موسی شفیق را به قصر صدارت انتقال دادند. محمد موسی شفیق در ماه قوس سال ۱۳۵۲ به امر سردار محمد داوودخان از نظر بندی صدارت آنهم به وساطت پدرم و خواهش پیر سید احمد گیلانی رها و به قرغه جائی که شخص خودش برای خود در مساحت یک هکتار زمین پهلوی منزل نور احمد اعتمادی در پهلوی بند قرغه اعمار نموده بود انتقال یافته و تا روز ۸ ثور سال ۱۳۵۷ بدون کدام تشویش و مشکل بود و باش و زندگی می کرد . وی در سالهای اخر دوران اولین جمهوریت بعضی اوقات به خصوص در روزهای ملی و مذهبی ، نزد شهید داوودخان می رفت و وی را می دید و گاهی هم باهم یکجا نان می خوردند. تف و صد لعنت به دروغگویان بی باک و بی دانش.
ته چی نه شرمیری تا به خوک و شرموی .

۲۷ / ۷ / ۲۰۲۴